

نسل امروز منتقل نماید. این‌ها باید رسانه‌ای شود. شهدای ما این‌ها هستند. این مقاومتی که امروز می‌بینید، خروجی همین مکتب است؛ خروجی شاگردان همین اساتید است.

بینید عمر حضرت جعفر علیه السلام در هنگام شهادت چقدر بود؟ این‌اثیر در اسدالغابه (جلد ۱، صفحه ۳۴۳) می‌نویسد:

«وَكَانَ عُمُرُ جَعْفَرٍ لَمَّا قُتِلَ إِحْدَى وَأَرْبَعِينَ سَنَةً؛ و عمر جعفر هنگامی که به شهادت رسید، چهل و یک سال بود.»

چهل سالش بود. مسیر مدینه تا موته (در اردن امروزی) کم نیست. این راه را رفته و آن چنان مقاومتی کرد؛ «حَتَّى قُتِلَ؛ تاآنکه کشته شد.»

• واکنش پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به شهادت حضرت جعفر علیه السلام

حالا ببینید وقتی خبر شهادتش به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، چه اتفاقی افتاد. در همان کتاب اسدالغابه (جلد ۱، صفحه ۳۴۴) آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا آتَاهُ نَعْيُ جَعْفَرٍ، دَخَلَ عَلَى امْرَأَتِهِ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ، فَعَزَّاهَا فِيهِ وَذَخَلَتْ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي وَتَقُولُ: وَاعْمَاةُ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلَى مِثْلِ جَعْفَرٍ فَلَنْتُبِكَ الْبُؤَاكِي وَذَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ هَمْ شَدِيدٌ حَتَّى آتَاهُ جَبْرِئِلُ، فَأَخْبَرَهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَجَعْفَرٍ جَنَاحَيْنِ مُضْرَجَيْنِ بِاللَّحْمِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ؛ وقتی خبر شهادت حضرت جعفر علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید، ایشان فوراً برخاستند و شخصاً به خانه شهید رفتند. «دَخَلَ عَلَى امْرَأَتِهِ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ؛ پیامبر شخصاً برای تسلیت و دلداری به همسر حضرت جعفر، اسماء بنت عمیس، وارد خانه او شدند.» حضرت زهرای اطهر علیها السلام نیز همراه پیامبر بود. «وَذَخَلَتْ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي وَتَقُولُ: وَاعْمَاةُ! و فاطمه وارد شد؛ درحالی‌که می‌گریست و می‌گفت: ای وای عمویم!»

در این هنگام، رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «عَلَى مِثْلِ جَعْفَرٍ فَلَنْتُبِكَ الْبُؤَاكِي؛ برای کسی مانند جعفر، باید گریه‌کنندگان بگیرند.»

از این واقعه، اندوهی شدید بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله نشست تا اینکه جبرئیل نازل شد و به ایشان خبر داد که خداوند به‌جای دو دست قطع‌شده جعفر، دو بال آغشته به خون به او عطا کرده‌است که با آن‌ها همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند.

امروز به این می‌گویند: «سردوشی» یا درجه‌دادن بعد از شهادت. پیامبر صلی الله علیه و آله در همان لحظه به ایشان این درجه الهی را ابلاغ فرمودند. خانواده‌های شهدا گوش کنید! درست است که دستش قطع شده؛

اما خداوند به او دو بال عنایت کرده است. این مقام والاست؛ البته این به‌معنای عدم سوگواری نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای او گریه کنید و اظهار تأثر ننمایید؛ اما بدانید که او به مقام والای خود رسیده است.

• استقبال بی‌نظیر پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام بازگشت جعفر از حبشه

همین جعفر که چنین شهادتی نصیبش شد، همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او عملی (نماز جعفر طیار) را آموختند که از دنیا و هرچه در آن است، برتر است. او کسی است که وقتی از هجرت حبشه بازگشت، پیامبر به‌شکل ویژه‌ای از او استقبال کردند. در کتاب الصحيح من سیرة النبی‌الاعظم صلی الله علیه و آله (جلد ۱۸، صفحه ۲۹۲) آمده است: «وَلَمَّا رَأَاهُ قَامَ إِلَيْهِ وَاسْتَقْبَلَهُ اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ حُطْوَةً وَعَاقَبَهُ وَقَتِلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَقَالَ: لَا أَذْرِي بَأَيِّهَما أَشَدُّ سُؤْرًا؟ بِقُدُومِكَ يَا جَعْفَرُ أَمْ بِفَتْحِ اللَّهِ عَلَيَّ يَدِ أَخِيكَ خَبْرٌ؟»

«علما و اساتید من! «قَامَ إِلَيْهِ» به چه معناست؟ یعنی پیامبر فقط به احترامش بلند نشدند؛ بلکه به سوی او حرکت کردند. دوازده قدم به استقبالش رفتند. این‌ها همه معنا دارد. او را در آغوش گرفتند (وَعَاقَبَهُ (و پیشانی‌اش را بوسیدند (وَقَتِلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ) سپس در آن لحظه شادی فرمودند: «نمی‌دامی برای کدام‌یک بیشتر شاد باشم؟ برای آمدن تو‌ای جعفر، یا برای فتح خبیر به دست بردارت (علی علیه السلام)؟»

آن روز، روز شادی بود و پیامبر این‌گونه فرمود و در روز شهادتش فرمودند: «فَلَنْتُبِكَ الْبُؤَاكِي».

• توصیف نهایی مقاومت و شهادت

جعفرین ابی‌طالب علیه السلام هرگز عقب‌نشینی نکرد: «وَقَاتِلَ إِلَى أَنْ قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُمْنَى وَآخَذَ الزَّائِدُ بِيَدِهِ النَّسْرَى وَقَاتَلَ إِلَى أَنْ قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى أَيْضًا، فَاسْتَقْبَلَ الزَّائِدَ وَصَّيَّهَا إِلَى صُدْرِهِ حَتَّى قُبِلَ؛ و به نبرد ادامه داد تا آنکه دست راستش قطع شد و پرچم را با دست چپش گرفت و (باز) جنگید تا آنکه دست چپش نیز قطع گردید. پس پرچم را در آغوش گرفت و آن را به سینه خود فشرد تا آنکه به شهادت رسید.

دو دستش قطع شده؛ اما پرچم را به سینه چسبانده است. این پرچم، رمز استقلال است؛ این پرچم، رمز عزت است؛ این پرچم، رمز آبروست. پیامش این است: بگذار کشته شوم؛ ولی پرچم بالا بماند.
آفرین بر شهدای ما، یادتان نرود این‌ها تربیت‌شده‌های همین مکتب هستند. مکتب حضرت جعفرین ابی‌طالب علیه السلام که خود دست‌پورده نبی مکرم صلی الله علیه و آله و این مکتب الهی است. «وَوُجِدَ بِهِ نَيْفٌ وَتَبَعُوعٌ... مَا بَيْنَ طُعْغَةِ وَضْرِيَّةٍ وَرُمِيَّةٍ؛ و بر بدن او هفتاد و چند... زخم، ما بین ضربه نیزه و شمشیر و تیر یافت شد.»
برده‌ها برای پیامبر صلی الله علیه و آله کنار رفت و ایشان صحنه شهادت او و یارانش را دیدند و فرمودند: «رَأَيْتِي جَعْفَرُ فِي نَفَرٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا؛ جعفر همراه با گروهی از فرشتگان به دیدار من آمد؛ درحالی‌که دو بال داشت و با آن‌ها پرواز می‌کرد. به‌همین دلیل به ایشان «ذوالجناحین» و «طیار فی الجنة» می‌گویند. شهادت او در سال هشتم هجری بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از این واقعه به‌شدت اندوهگین شدند. اگر امروز بود، یک بیانیه سنگین و رسمی صادر می‌کردند که حکایت از عمق حزن ایشان داشت.

شیخ صدوق رحمه الله از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: «أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله حِينَ جَاءَهُ وَفَاةُ جَعْفَرَيْنِ أَبِي طَالِبٍ وَزَوَّيْدَيْنِ حَارِثَةَ، كَانَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ كَثُرَ بُكَاءُهُ عَلَيْهِمَا جَدًّا وَيَقُولُ: كَانَا يُحَدِّثَانِي وَبُؤْسَانِي... فَذَهَبَا جُوبِعَا؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که خبر شهادت جعفر و زید به ایشان رسید، هرگاه وارد خانه می‌شدند و تنها می‌شدند، گریه‌شان برای آن دو بسیار شدید می‌شد. شاید جلوی جمعیت خود را کنترل می‌کردند تا روحیه لشکر حفظ شود؛ اما در تنهایی زار زار برایشان گریه می‌کردند و می‌فرمودند: «آن دو هم صحبت و مونس من بودند... و هر دو با هم رفتند.»



متن پیش رو، پیاده‌سازی سخنرانی آیت‌الله نجم‌الدین طبسی است که به‌مناسبت ششم جمادی‌الاولی، سالروز شهادت حضرت جعفرین ابی‌طالب علیه السلام، ملقب به «جعفر طیار»، منتشر می‌گردد. در این گفتار، ضمن تبیین جایگاه بی‌بدیل این شخصیت والامقام در تاریخ اسلام و نقش او به‌عنوان نماد ولایت و اسوه مقاومت اسلامی، به ابعاد گوناگون شخصیت، فضائل و حماسه‌های ایشان پرداخته می‌شود تا نام و یاد این ستاره درخشان، برای نسل امروز الهام‌بخش و راه‌گشا باشد.

بعد می‌گوید: «قیل: أسلم بعد واحد وثلاثین إنساناً وکان هو الثانی والثلاثین، قاله ابن‌اسحاق؛ گفته شده که او بعد از سی و یک نفر اسلام آورد و سی و دومین نفر بود.» این در حالی است که خودشان نقل می‌کنند، خلیفه دوم چهل و پنجمین نفر و خلیفه اول پنجاه و چندمین نفر بودند. این یعنی جعفر از پیشگامان است.

این‌اثیر در صفحه ۳۴۳ می‌افزاید: «وکان رسول‌الله یسمیه، أبا المساکین وکان أسن من علی بعشر سنین وأخوه عقیل أسن منه بعشر سنین وأخوهم طالب أسن من عقیل بعشر سنین؛ رسول‌خدا صلی الله علیه و آله او را «ابوالمساکین» (پدر ینوایان) می‌نامید؛ زیرا بسیار به فقر رسیدگی می‌کرد. جعفر ده سال از علی علیه السلام بزرگ‌تر بود و برادرشان عقیل ده سال از جعفر بزرگ‌تر بود و برادرشان طالب نیز ده سال از عقیل بزرگ‌تر بود.»

سپس از خود پیامبر نقل می‌کند که فرمودند: (حالا این یک خواب بوده یا مکاشفه)، «رأیت جعفرًا یطیر فی الجنة مع الملائكة؛ جعفر را دیدم که در بهشت همراه با فرشتگان پرواز می‌کند.»

• حماسه شهادت در جنگ موته

سپس این‌اثیر قضیه شهادت ایشان در جنگ موته را نقل می‌کند. در آن جنگ تعداد مسلمانان بسیار محدود بود. جعفر از اسبش پایین آمد و او اولین کسی بود که در اسلام اسب خود را «عقر» کرد؛ «نقل أنه یوم مؤتة اقتحم عن فرس له شقراء فعهزها، ثم تقدم فقاتل حتی قتل، قال ابن‌اسحاق: فهو أول من عقر فی الإسلام.»

«عقر» یعنی چه؟ یعنی پاهای اسب را قطع کرد. این حرکت یک پیام روشن دارد؛ صحبت از فرار و عقب‌نشینی نیست. در قلب دشمن پیام می‌دهد که یا کشته می‌شوم یا شما را می‌کشم. این یعنی مقاومت مطلق.

«ولما قتل جعفر، قطعت یداه والرایة معه لم یلقها؛ و هنگامی که جعفر کشته شد، دو دستش قطع شده بود؛ اما پرچم همراهش بود و آن را رها نکرده بود.»

دست‌هایش را قطع کردند؛ اما او از پرچم محافظت می‌کرد. با همان دستان قطع‌شده، پرچم را رها نکرد. «لم یلقُها»!

من وقتی این صحنه‌ها را می‌خوانم، یاد برخی از خروجی‌های همین مکتب می‌افتم. یاد آن شهدایی که وقتی یعنی‌ها حمله می‌کردند، در گرمای مه‌ران، وقتی فرمانده دستور عقب‌نشینی می‌داد، می‌گفتند: «تو فرمانده هستی؛ اما این‌ها کسی نیستند که مرا وادار به عقب‌نشینی کنند.» این شهدا پرورش‌یافته همین مکتب هستند. دست‌هایش قطع شد؛ اما پرچم را زمین نگذاشت. پیامش این است: ما هستیم تا چشم شما کور شود. ما ایستاده‌ایم. مقاومتی که امروز می‌بینید، ریشه در این مکتب دارد؛ نه مکتب‌هایی که منتظر شکسته‌شدن خط می‌مانند و عقب می‌نشینند. نه آنهایی که نامه می‌نویسند، گرین‌کارت می‌خواهند و در پی پناهندگی هستند. تاریخ ثبت کرده که برخی برای خلفای شام نامه می‌نوشتند، ستون پنجم دشمن بودند و اطلاعات را روزبه‌روز به یهود می‌دادند تا برایشان پول بفرستند.

آنها این‌گونه بودند و شخصیتی مانند حضرت جعفر طیار علیه السلام این‌گونه که: «قطعت یداه والرایة معه لم یلقها».

این‌اثیر در پایان می‌نویسد: «ولما قتل وجد به بضع وسبعون جراحة ما بین ضربة بسیف وطعنة برمح، کلها فیما أقبل من بدنه... وکان عمر جعفر لما قتل إحدى وأربعین سنة؛ و هنگامی که کشته شد، هفتاد و چند زخم بر بدنش یافتند از ضربه شمشیر و نیزه که همگی در جلوی بدنش بود... و عمر جعفر هنگام شهادت، چهل و یک سال بود.»

«کلها فی ما أقبل من بدنه»؛ یعنی چه؟ یعنی تمام جراحات‌ها در قسمت جلوی بدن او بود. این یعنی او حتی یک لحظه هم به دشمن پشت نکرد و فرار نکرد.

اصلاً فرار در قاموس آل ابی‌طالب نیست. من وقتی این‌ها را می‌خواندم، تنم می‌لرزید. این‌ها شخصیت‌هایی هستند که در تاریخ مانده‌اند و لازم است، کسی مانند شما این مطالب را احیا کند و به

ترجمه و توضیح روایت:

رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به جعفر فرمودند: «ای جعفر! آیا به تو هدیه‌ای ندهم؟ آیا عطایی به تو نکم؟ آیا بخششی به تو ننمایم؟»

مردم که این صحنه را می‌دیدند، گمان کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهند به او طلا یا نقره‌ای ببخشند و از این‌رو [برای دیدن] گردن کشیدند (با اشتیاق نگریستند). جعفر پاسخ داد: «بله یا رسول‌الله (بفرمایید).»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «من به تو چیزی عطا می‌کنم که اگر آن را هر روز انجام دهی، برایت از دنیا و هرچه در آن است، بهتر خواهد بود و اگر هر دو روز یک‌بار، یا هر جمعه، یا هر ماه، یا هر سال انجام دهی، گناهان ما بین آن دو [نوبت] برایت آرمزیده می‌شود.»

سپس کیفیت نماز چهار رکعتی (نماز جعفر طیار) را با ۳۰۰ ذکر تسبیحات اربعه در هر دو رکعت توضیح دادند.

• نقش حضرت جعفر طیار علیه السلام در هجرت به حبشه

حالا معلوم شد که ما داریم راجع به چه شخصیتی صحبت می‌کنیم؟ ایشان همان کسی است که به حبشه رفت تا برای فرهنگ اسلام زمینه‌سازی کند و بستر پذیرش آن را فراهم آورد. این هجرت آن‌قدر برای مشرکین سنگین بود که افرادی مانند عمروعاص و عبدالله بن ابی‌ربیعه را با هدایای فراوان به حبشه فرستادند تا جعفر و همراهانش را بازگردانند. جلسه رسمی در حضور نجاشی تشکیل شد که قصه‌اش مفصل است و الحمدلله جعفر در آن مناظره پیروز شد. واقع مطلب این است که ما خودمان نسبت به شخصیت‌های بزرگ خودمان کم‌لطیفیم.

• فضائل حضرت جعفر علیه السلام از دیدگاه بزرگان شیعه و سنی

مرحوم مامقانی در تنقیح‌المقال، جلد ۱۵، صفحه ۹، در ذیل شرح حال حضرت جعفرین ابی‌طالب علیه السلام، به‌نقل از بزرگان چنین آورده است؛ علامه مجلسی رحمه الله در کتاب الوجیزة فی الرجال (صفحه ۴۳) در مورد ایشان می‌نویسد: «جعفرین ابی‌طالب، من سادات الشهداء؛ جعفرین ابی‌طالب، از سروران شهیدان است.»

و الحاوی او را در زمره ثقات (افراد مورد اطمینان) شمرده و گفته است: «هو أجَلُّ من أن یوصف؛ او بزرگ‌تر از آن است که به وصف درآید.»

حتی در منابع اهل‌سنت نیز فضائل ایشان به‌زیبایی ذکر شده است. ابن‌اثیر در اسدالغابه، جلد ۱، صفحه ۳۴۱، می‌نویسد: «جَعْفَرُیْنِ أَبِي طَالِبٍ واسم أبي طالب عَبْدُمَنَافِ بْنِ عَبْدِالمطلب بْنِ هاشم بْنِ عبدمناف بْنِ قُصَيِّ القرَشِيِّ الهاشمي، ابن عم رسول الله وأخو علي بن أبي طالب لأبويه وهو جعفر الطيار وکان أشبه الناس برسول الله خُلُقًا وخلَقًا، أسلم بعد إسلام أخيه علي بقليل؛ جعفرین ابی‌طالب...

پسرعموی رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و برادر تنی علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام بود... او را «جعفر طیار» می‌نامند. او شبیه‌ترین مردم به رسول‌خدا صلی الله علیه و آله از نظر ظاهر (خُلُق) و اخلاق (خُلُق) بود. اندکی پس از برادرش علی علیه السلام

اسلام آورد.»

ببینید چه تعبیر زیبایی! «أشبهه الناس برسول الله خُلُقًا وخلَقًا؛ یعنی وقتی نگاهش می‌کردی، هم از نظر شکل و شمایل ظاهری و هم از نظر اخلاقیات، به یاد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌افتادی.

این‌اثیر ادامه می‌دهد: «اندکی پس از برادرش اسلام آورد.» برخی می‌خواهند، همین «قلیل» (اندکی) را توسعه دهند و فاصله‌ای طولانی جلوه دهند؛ اما نه خیلی فاصله نبود. خود این‌اثیر در ادامه نقل می‌کند:

ابوطالب، پیامبر و علی علیه السلام را دید که نماز می‌خوانند و علی علیه السلام در سمت راست ایشان ایستاده است: «أن أباطالب رأى النبي وعلياً یصلیان وعلي عن يمينه، فقال لجعفر: صل جناح ابن عمك وصل عن يساره.»

این یعنی چه؟ یعنی خودت گفتی که او از همان ابتدا در کنار پیامبر بوده، دیگر خرابش نکن!

ما امروز به‌حق از شهدای خود تجلیل می‌کنیم. از شهید فهیمیده، از سردار سلیمانی و از دیگر شهدای گرانقدرمان یاد می‌کنیم و این کار درستی است؛ اما باید بدانیم این قهرمانان از کدام مکتب برخاسته‌اند.

آیا می‌دانید حضرت جعفر علیه السلام با چه قدرتی درگیر شد؟ او در نبرد موته با امپراتوری روم شرقی، یعنی اروپای امروز جنگید و چنان مقاومتی از خود نشان داد که تاریخ را شگفت‌زده کرد. پس از شهادت، وقتی بدن مطهرش را یافتند، بیش از هفتاد زخم بر آن بود و تمام زخم‌ها در قسمت جلوی بدن ایشان قرار داشت؛ این یعنی او حتی یک‌لحظه به دشمن پشت نکرد و نگرخت؛ برادرش، مولای ما علی علیه السلام، در جنگ احد ۹۰ زخم برداشت و جعفر در نبرد موته بیش از ۷۰ زخم.

سردار سلیمانی پرورش‌یافته این مکتب است. شهید فهیمیده از این مکتب درس آموخته است؛ مکتبی که جعفر طیار علیه السلام آن، این‌گونه مقاومت می‌کند و الگوی فداکاری و شجاعت می‌شود. وظیفه ماست که این الگوها را به‌درستی برای نسل امروز بازگو کنیم.

• حضرت جعفرین ابیطالب علیه السلام در کتاب تنقیح‌المقال

شکرگزاری خداوند از جعفرین ابیطالب علیه السلام

در محور دوم بحث، به سراغ کتاب تنقیح‌المقال مرحوم مامقانی می‌رویم. انصافاً ایشان در جلد ۱۵، صفحه ۳۰، بحثی مختصر و مفید را مطرح کرده‌اند. در این کتاب، علاوه بر نکات ارزشمند خود مرحوم مامقانی، استدراکات (تکمیل و تصحیحات) جالبی از نوه ایشان نیز وجود دارد. من به این نکات اشاره می‌کنم تا بدانید، در محضر چه شخصیتی هستید و از چه کسی تجلیل می‌کنید.

شما از کسی تجلیل می‌کنید که خداوند شکرگزار اوست! این نکته عجیبی است! دقت کنید، شاید برای اولین‌بار باشد که می‌شنوید خداوند می‌فرماید: «من از تلاش جعفر سپاسگزارم.» این حدیث در کتاب امالی شیخ صدوق، صفحه ۱۲۲، آمده است که می‌فرماید:

«قال [الإمام الباقر]: أوحى الله عز وجل إلى رسوله صلی الله علیه و آله: أني شكرت لجعفرین أبي طالب أربع خصال، فدهاء النبي صلی الله علیه و آله فأخبره. فقال: لولا أن الله أخبرك ما أخبرتك، ما شربت خمرًا قط، لأنني علمت أن لو شربتها زال عقلي وما كذبت قط، لأن الكذب ينقص المروة وما زينت قط، لأنني خفت أني إذا عملت عمل بي وما عديت صنما قط، لأنني علمت أنه لا يضر ولا ينفع. قال: فغضب النبي صلی الله علیه و آله يده على عاتقه، فقال: حق لله عز وجل أن يجعل لك جناحين تطير بهما مع الملائكة في الجنة...؛ حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به رسول گرامی‌اش صلی الله علیه و آله وحی فرمود: «من از چهار خصلت جعفرین ابی‌طالب تشکر می‌کنم.» پیامبراکرم صلی الله علیه و آله جعفر را فراخواند و این خبر را به او داد. جعفر در محضر ایشان عرض کرد: اگر خداوند به شما خبر نداده بود، من هرگز آن را بازگو نمی‌کردم. آن چهار خصلت عبارت‌اند از:

الف) هرگز شراب ننوشیدم؛ زیرا می‌دانستم که اگر آن را بنوشم، عقلم زایل می‌شود.

ب) هرگز دروغ نگفتم؛ زیرا دروغ، مرَوّت و جوانمردی را می‌کاهد.

ج) هیچ‌گاه مرتکب زنا نشدم؛ چون بیم داشتم اگر چنین کنم، با [خانواده] من نیز همین‌گونه رفتار شود.

د) هرگز بت نپرستیدم؛ زیرا می‌دانستم که بت نه نفعی دارد و نه ضرری.

پس از شنیدن این سخنان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بر شانه او زد و فرمود: «حق است بر خداوند عزوجل که برای تو دو بال قرار دهد تا با آن‌ها همراه فرشتگان در بهشت پرواز کنی.»

این خاندان این‌گونه‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حق لله عزوجل أن يجعل لك جناحين تطير بهما مع الملائكة في الجنة.» (حق است بر خداوند که برای تو دو بال قرار دهد تا با آن‌ها همراه فرشتگان در بهشت پرواز کنی).

چنین تعبیری در مورد حضرت قمر بنی‌هاشم علیه السلام نیز وجود دارد. من یک‌وقت از استادم پرسیدم: [که معنای این عبارت چیست؟] ایشان گفتند: این یک معنای خاصی دارد؛ البته من احتمال می‌دهم که گرچه همه بهشتیان جایگاه‌شان در بهشت معین است؛ اما حضرت جعفرین ابی‌طالب علیه السلام مستثنی است؛ «الأ جعفر.» او اختیار با خودش است که «یطير بهما في الجنة حيث يشاء»؛ یعنی هر کجا که دلش می‌خواهد، با آن دو بال پرواز می‌کند و فرود می‌آید.

• هدیه ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله: نماز جعفر طیار

یک نکته دیگر هم عرض کنم. در کتاب شریف کافی، در مورد همین نماز جعفر طیار، مطالبی وجود دارد که جای تأمل بسیار دارد. ببینید پیامبراکرم صلی الله علیه و آله که کلامشان بر اساس وحی است و قرآن در شأن ایشان می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (سوره نجم، آیات ۳-۴)؛ یعنی «او از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید؛ آنچه می‌گوید، چیزی جز وحی‌ای که به او می‌شود، نیست»، ببینید نسبت به جعفرین ابی‌طالب علیه السلام چه می‌فرمایند. این حرف‌های پیامبر، حرف‌های خداست.

در کتاب کافی، جلد ۳، صفحه ۴۶۶، روایتی از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «قال رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَجَعْفَرٍ: يَا جَعْفَرُ! أَلَا أَفْتَحُكَ؟ أَلَا أَعْطِيكَ؟ أَلَا أُخْبِرُكَ؟ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: فَظَرَ النَّاسُ أَنَّهُ يُعْطِيهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً فَتَشْرَفُ النَّاسُ لِدَلِكَ. فَقَالَ لَهُ: إِنِّي أَعْطِيكَ شَيْئًا إِنْ أَتَتْ صَعْتُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ كَانَ خَيْرًا لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمِمَّا فِيهَا...»